



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان  
دانشکده علوم اداری و اقتصاد  
گروه اقتصاد

## پایان نامه ی دکتری رشته ی اقتصاد

# تأثیر مخارج آموزش بر سرمایه انسانی ، رشد اقتصادی و فقر در ایران با استفاده از مدل تعادل عمومی

استاد راهنما:

دکتر مرتضی سامتی

استادان مشاور:

دکتر رحمان خوش اخلاق

دکتر رحیم دلالی اصفهانی

دکتر مصطفی عمادزاده

پژوهشگر:

ابوالفضل جنتی مشکانی

تیر ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج این مطالعه،  
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این  
پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه اقتصاد

پایان نامه ی دکتری رشته ی علوم اقتصادی آقای ابوالفضل جنتی

مشکاتی

تحت عنوان:

تأثیر مخارج آموزش بر سرمایه انسانی ، رشد اقتصادی و فقر در ایران با استفاده از

مدل تعادل عمومی

در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۵ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر مرتضی سامتی با مرتبه علمی استاد

امضاء

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر رحمان خوش اخلاق با مرتبه علمی استاد

امضاء

۳- استاد مشاور پایان نامه دکتر رحیم دلالی اصفهانی با مرتبه علمی دانشیار

امضاء

۴- استاد مشاور پایان نامه دکتر مصطفی عماد زاده با مرتبه علمی استاد

امضاء

۵- استاد داور داخل گروه دکتر محسن رنانی با مرتبه علمی دانشیار

امضاء

۶- استاد داور داخل گروه دکتر نعمت الله اکبری با مرتبه علمی استاد

امضاء

۷- استاد داور خارج از گروه دکتر تیمور رحمانی با مرتبه علمی دانشیار

امضاء

امضای مدیر گروه

سپاسگذاری

به نام خالق زیبایی ها

بدینوسیله بر خود لازم می دانم که از  
زحمات بی دریغ استاد ارجمند جناب آقای  
دکتر مرتضی سامتی که با راهنمایی های عالمانه  
خود بر غنای علمی این پایان نامه افزودند تشکر  
و قدردانی نمایم.

همچنین اینجانب از ارشادات سازنده و  
مفید جناب آقایان دکتر رحمان خوش  
اخلاق، دکتر رحیم دلالی اصفهانی و دکتر  
مصطفی عمادزاده برخوردار بوده ام که  
صمیمانه از ایشان سپاسگزارم.

در پایان نیز لازم است که از همسر  
گرامی ام که همواره مشوق من بوده اند تشکر  
نموده و قدردانی می نمایم.

تقدیم به پدر و مادرم

همسر و فرزندم

## چکیده

افزایش رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی در کنار افزایش بهره‌وری نیروی کار همراه با کاهش فقر و توزیع مطلوب تر درآمد یکی از اهداف برنامه ریزان اقتصادی می باشد. سرمایه گذاری (مخارج) در آموزش می تواند این اهداف را تأمین نماید. هدف از این مقاله بررسی اثرات افزایش مخارج آموزش بر سرمایه انسانی، رشد اقتصادی و فقر در ایران می باشد.

در این پایان نامه از یک مدل تعادل عمومی پویا همراه با ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ استفاده شده است. سایر اطلاعات لازم همچون موجودی اولیه سرمایه و نیروی انسانی نیز از سایر مراجع جمع آوری گردیده است و مدل برای سال ۱۳۸۰ اندازه گیری (کالیبره) شده است. سه سناریوی متفاوت برای رشد مخارج آموزش در نظر گرفته شده است و اثرات آن بر سرمایه انسانی، رشد اقتصادی و فقر برآورد گردیده است.

نتایج حاصله نشان می دهد که رشد مخارج آموزش بر سرمایه انسانی و رشد اقتصادی اثر مثبت دارد. افزایش ۵۰ درصدی در هزینه آموزش در دوره اول باعث رشد ۳/۸۱ درصدی سرمایه انسانی و ۵/۸ درصدی رشد اقتصادی می گردد و افزایش مخارج آموزش در دوره دوم باعث رشد اقتصادی تا ۷/۳ درصد می گردد. نتایج نشان می دهد هر چه سهم نیروی کار تحصیلکرده در ساختار نیروی کار بیشتر باشد اثر افزایش در سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی بیشتر است. علاوه بر آن نتایج نشان می دهد که افزایش مخارج آموزش باعث کاهش فقر و توزیع مطلوبتر درآمد می شود. به طوریکه خط فقر از ۱۱/۷ به ۱۰/۷ درصد کاهش می یابد. ضریب جینی نیز از ۰/۴۱۷ به ۰/۴۰۲ کاهش می یابد. با این حال، برای به حداکثر رساندن مزایای حاصل از مخارج آموزش نیاز به سطح بسیار بالایی از سرمایه‌گذاری فیزیکی و نیز اقداماتی برای بهبود هماهنگی میان الگوی خروجی آموزش با ساختار تقاضای کار است. علاوه بر این افزایش مخارج آموزش باعث کاهش فقر و توزیع مطلوبتر درآمد می گردد.

**واژگان کلیدی:** مدل تعادل عمومی قابل محاسبه، آموزش، رشد اقتصادی، فقر، سرمایه انسانی



## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات

۱	مقدمه.....
۲	۱-۱- شرح و بیان مسئله پژوهشی.....
۳	۲-۱- اهداف.....
۳	۳-۱- اهمیت و ارزش تحقیق.....
۴	۴-۱- کاربرد نتایج تحقیق.....
۴	۵-۱- فرضیات و سوالات تحقیق.....
۴	۶-۱- روش تحقیق.....
۵	۷-۱- نحوه جمع آوری اطلاعات.....
۶	۸-۱- کلید واژه ها.....
۷	۹-۱- جمع بندی.....

### فصل دوم: ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

۹	مقدمه.....
۱۰	۱-۲- نمایی کلی از تأثیر آموزش در اقتصاد.....
۱۲	۲-۲- سنجش آموزش و سرمایه انسانی.....
۱۳	۳-۲- تأثیر آموزش در نظریه اقتصاد خُرد.....
۱۳	۱-۳-۲- معادله دستمزد مینسر.....
۱۸	۴-۲- تأثیر آموزش در نظریه اقتصاد کلان.....
۱۹	۱-۴-۲- معادله ماکرو- مینسر.....
۲۰	۲-۴-۲- کاربرد سرمایه انسانی در نظریه رشد جدید.....
۲۸	۵-۲- رشد اقتصادی، فقر و توزیع درآمد.....
۲۹	۱-۵-۲- فرضیه کوزنتس.....
۳۶	۲-۵-۲- رشد سرریز.....
۳۷	۳-۵-۲- رشد فقرزا.....
۳۸	۴-۵-۲- رشد فقرزدا.....
۳۹	۶-۲- مفهوم فقر.....
۴۰	۷-۲- شاخص های اندازه گیری فقر.....
۴۰	۱-۷-۲- خط فقر.....
۴۰	۲-۷-۲- اندازه گیری فقر (تجمیع).....

۴۱	۳-۷-۲ - شاخص شکاف درآمدی فقر.....	۴۱
۴۱	۴-۷-۲ - شاخص نسبت افراد فقیر.....	۴۱
۴۲	۸-۲ - معیارهای نابرابری.....	۴۲
۴۲	۱-۸-۲ - ضریب جینی.....	۴۲
۴۳	۹-۲ - انواع مدل ها و مدل CGE.....	۴۳
۴۴	۱-۹-۲ - انواع مدل های اقتصاد کلان.....	۴۴
۴۴	۱-۱-۹-۲ - مدل های تعادل جزئی و تعادل عمومی.....	۴۴
۴۵	۲-۹-۲ - مدل های ساده ثنوریک.....	۴۵
۴۵	۳-۹-۲ - مدل های تجربی پیش بینی.....	۴۵
۴۶	۱-۳-۹-۲ - انتقاد لوکاس به مدل های تجربی پیش بینی.....	۴۶
۴۷	۴-۹-۲ - مدل های اقتصاد کلان عامل محور (ACE).....	۴۷
۴۷	۵-۹-۲ - مدل های CGE.....	۴۷
۴۸	۵-۹-۲-۱ - مدل های CGE کلان.....	۴۸
۴۹	۶-۹-۲ - طبقه بندی مدلها به نئوکلاسیکی و سایر.....	۴۹
۴۹	۷-۹-۲ - مدل های تعادل عمومی محاسباتی مبنای SAM و اقتصادسنجی.....	۴۹
۵۰	۱۰-۲ - مروری بر مطالعات انجام شده.....	۵۰
۶۳	۱۱-۲ - جمع بندی.....	۶۳

## فصل سوم: روش تحقیق و ساختار الگو

۶۴	مقدمه.....	۶۴
۶۵	۱-۳ - تعریف مدل و کاربرد.....	۶۵
۶۶	۲-۳ - مراحل طراحی یک مدل CGE.....	۶۶
۶۷	۳-۳ - مدل های تعادل عمومی قابل محاسبه پویا.....	۶۷
۶۸	۳-۳-۱ - ابعاد و ساختار یک مدل CGE بین زمانی.....	۶۸
۶۹	۴-۳ - نمایی کلی از الگوی تعادل عمومی مورد استفاده.....	۶۹
۷۱	۵-۳ - معادلات الگوی پایه.....	۷۱
۷۱	۱-۵-۳ - تابع تولید و کالا.....	۷۱
۷۸	۲-۵-۳ - معادلات قیمت.....	۷۸
۸۰	۳-۵-۳ - بازار عوامل تولید.....	۸۰
۸۰	۱-۳-۵-۳ - بازار نیروی کار.....	۸۰
۸۲	۲-۳-۵-۳ - بازار سرمایه و پس انداز.....	۸۲
۸۴	۴-۵-۳ - معادلات درآمد.....	۸۴
۸۷	۵-۵-۳ - معادلات مصرف و هزینه.....	۸۷
۸۸	۶-۵-۳ - معادلات تعادل بازار.....	۸۸

۹۰	..... ۷-۵-۳- پویایی الگو
۹۶	..... ۶-۳- جمع بندی و نتیجه گیری

### فصل چهارم : تحلیل نتایج الگو

۹۷	..... مقدمه
۹۸	..... ۱-۴- نوع مدل و اجزای آن
۹۸	..... ۲-۴- پایه اطلاعاتی الگو
۹۹	..... ۱-۲-۴- ماتریس حسابداری اجتماعی
۱۰۲	..... ۱-۲-۴- ۱- دریافت ها
۱۰۴	..... ۲-۲-۴- ۲- پرداخت ها
۱۰۶	..... ۲-۲-۴- ماتریس حسابداری اجتماعی ایران
۱۱۰	..... ۳-۴- اندازه گیری مدل و نتایج حاصل از اعمال سیاستها
۱۱۱	..... ۱-۳-۴- نتایج اعمال سیاستها بر روی سرمایه انسانی
۱۱۲	..... ۲-۳-۴- نتایج اعمال سیاستها بر رشد اقتصادی
۱۱۸	..... ۳-۳-۴- نتایج اعمال سیاستها بر روی فقر
۱۲۳	..... ۴-۳-۴- نتایج اعمال سیاستها بر روی توزیع درآمد
۱۲۵	..... ۵-۳- جمع بندی و نتیجه گیری

### فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۱۲۶	..... مقدمه
۱۲۸	..... ۵-۱- نتیجه گیری
۱۲۸	..... ۵-۲- آزمون فرضیه ها
۱۲۸	..... ۱-۵-۲- آزمون فرضیه اول
۱۲۸	..... ۲-۵-۲- آزمون فرضیه دوم
۱۲۹	..... ۳-۵-۲- آزمون فرضیه سوم
۱۲۹	..... ۵-۳- تحلیل نتایج
۱۳۰	..... ۵-۴- پیشنهادات
۱۳۱	..... ۵-۵- پیشنهادات برای مطالعات آینده
۱۳۲	..... ضمایم
۱۳۴	..... منابع و ماخذ

## فهرست شکل ها

### عنوان

### صفحه

- شکل ۱-۱: فرایند فرم دهی به یک مدل تعادل عمومی و تجزیه و تحلیل سیاست اقتصادی.....۵
- شکل ۱-۲: اثرات آموزش بر اقتصاد خرد و کلان.....۱۰
- شکل ۲-۲: نمودار فرضیه کوزنتس.....۲۹
- شکل ۱-۳: مراحل طراحی مدل CGE.....۶۶
- شکل ۲-۳: ساختار یک مدل تعادل عمومی با تاکید بر نقش آموزش بر گرفته از مدل (Hong-Sang, 2003).....۷۰
- شکل ۳-۳: مجموعه انواع نیروی کار.....۷۴
- شکل ۴-۳: ساختار الگوی تولید مورد استفاده در مدل.....۷۶
- شکل ۵-۳: ساختار بازار نیروی کار و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر.....۹۱
- شکل ۱-۴: ساختار جریان چرخه درآمدی در یک اقتصاد باز.....۱۰۱

## فهرست جدول ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۳: ساختار جریان نیروی کار.....	۷۴
جدول ۲-۳: معادلات الگوی پایه کاربردی تعادل عمومی ایران.....	۹۳
جدول ۱-۴: توزیع اشتغال بر حسب سطح سواد در بخش های مختلف اقتصادی در سال ۱۳۸۰.....	۱۰۷
جدول ۲-۴: توزیع نسبی اشتغال بر حسب سطح سواد در بخش های مختلف اقتصادی در سال ۱۳۸۰.....	۱۰۸
جدول ۳-۴: خط فقر بر اساس بخش های مختلف اقتصادی.....	۱۰۸
جدول ۴-۴: ضرایب داده- ستانده محاسبه شده بر اساس ماتریس حسابداری اجتماعی.....	۱۰۹
جدول ۵-۴: درآمد نیروی کار بر حسب سطح سواد در بخشهای مختلف اقتصادی.....	۱۱۰
جدول ۶-۴: تأثیر افزایش مخارج عمومی آموزش بر سرمایه انسانی در سه سناریوی مختلف در دوره اول.....	۱۱۲
جدول ۷-۴: تأثیر افزایش مخارج آموزش بر روی رشد ارزش افزوده در سه سناریوی مختلف در دوره اول.....	۱۱۳
جدول ۸-۴: تغییرات ارزش افزوده نسبت به سال پایه در دوره اول .....	۱۱۴
جدول ۹-۴: تفکیک اجزای رشد اقتصادی در سه سناریوی مختلف در دوره اول.....	۱۱۵
جدول ۱۰-۴: تأثیر افزایش مخارج عمومی آموزش بر روی رشد ارزش افزوده در سه سناریوی مختلف با فرض رشد مخارج آموزش در دوره دوم .....	۱۱۶
جدول ۱۱-۴: تغییرات ارزش افزوده در دوره دوم نسبت به دوره اول.....	۱۱۷
جدول ۱۲-۴: تفکیک اجزای رشد اقتصادی در سه سناریوی مختلف در دوره دوم.....	۱۱۸
جدول ۱۳-۴: ضرایب کالاهای واسطه بین بخشی، سهم نیروی کار و مالیاتها از تولید.....	۱۱۹
جدول ۱۴-۴: تأثیر افزایش مخارج عمومی آموزش بر مصرف خانوارها در سه سناریوی مختلف با فرض رشد مخارج آموزش در دوره اول.....	۱۲۰
جدول ۱۵-۴: تأثیر افزایش مخارج عمومی آموزش بر مصرف خانوارها در سه سناریوی مختلف با فرض رشد مخارج آموزش در دوره دوم.....	۱۲۰
جدول ۱۶-۴: تأثیر افزایش مخارج عمومی آموزش بر دستمزد نیروی کار در سه سناریوی مختلف با فرض رشد مخارج آموزش در دوره اول.....	۱۲۱

جدول ۴-۱۷: تأثیر افزایش مخارج عمومی آموزش بر دستمزد نیروی کار در سه سناریوی مختلف با فرض رشد مخارج آموزش در دوره دوم.....	۱۲۱
جدول ۴-۱۸: تأثیر افزایش مخارج عمومی آموزش بر فقر در سه سناریوی مختلف با فرض رشد هزینه مخارج در دوره اول.....	۱۲۲
جدول ۴-۱۹: تأثیر افزایش مخارج عمومی آموزش بر فقر در سه سناریوی مختلف با فرض رشد هزینه مخارج در دوره دوم.....	۱۲۲
جدول ۴-۲۰: تأثیر افزایش مخارج عمومی آموزش بر ضریب جینی در سه سناریوی مختلف با فرض رشد مخارج آموزش در دوره اول.....	۱۲۴
جدول ۴-۲۱: تأثیر افزایش مخارج عمومی آموزش بر ضریب جینی در سه سناریوی مختلف با فرض رشد مخارج آموزش در دوره دوم.....	۱۲۴

## فصل اول:

### کلیات

#### مقدمه

نقش آموزش بر اقتصاد و متغیرهای اقتصادی بر کسی پوشیده نیست. آموزش همواره به عنوان ابزاری جهت افزایش رشد اقتصادی، کاهش فقر و توزیع مطلوبتر درآمد در جوامع مدنظر سیاستگذاران اقتصادی بوده است. از همین رو دانشمندان زیادی به بررسی نقش آموزش در اقتصاد پرداخته اند. آموزش باعث افزایش قدرت خلاقیت، سازندگی و بهره وری شده و نقش تعیین کننده ای در توسعه پایدار دارد. از طرف دیگر آموزش و فراهم آوردن امکانات آموزش برای تمام افراد جامعه باعث می شود تا افراد به سطوح بالاتر آموزش دست پیدا کرده و متناسب با آن از حقوق و دستمزد بالاتری برخوردار گردند. از این جهت آموزش می تواند کاهش دهنده فقر و نابرابری درآمدی باشد. بررسی و اندازه گیری سرمایه گذاری در آموزش بر سرمایه انسانی و رشد اقتصادی یکی از مطالب بحث برانگیز اقتصاد بوده است. بسیاری از صاحب نظران علوم انسانی به ویژه اقتصاددانان سرمایه فیزیکی را تنها عامل پیشرفت قلمداد نمی کنند بلکه یافته ها، کشفیات علوم تجربی و ظرفیت های آموزش را که از طریق آموزش، تحقیقات و فناوری حاصل می شود را جزء سرمایه انسانی به حساب آورده و آن را بر روی رشد اقتصادی مؤثر می دانند. از طرف دیگر اینکه رشد اقتصادی باعث کاهش فقر و نابرابری درآمدی می گردد یا خیر، همواره به عنوان سؤال اساسی برای اقتصاددانان مطرح بوده است و آنان به دنبال راهکارهایی بوده اند که

علاوه بر رشد اقتصادی، کاهش دهنده فقر و توزیع مطلوب درآمد در جامعه باشد. آموزش از جمله ابزارهایی است که می تواند رشد اقتصادی همراه با توزیع مطلوبتر درآمد و کاهش فقر را به همراه داشته باشد.

رشد اقتصادی پایدار و مناسب، تنها با ایجاد تحول در بهره وری نیروی انسانی و توسعه فنآوری امکان پذیر می باشد. ارتقاء سطح آموزش مستلزم سرمایه گذاری در آموزش و افزایش امکانات فیزیکی و انسانی در بخش آموزش است و از طرف دیگر می بایست میان سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی تناسب وجود داشته باشد. اگر ساختار تولیدی در جامعه که بر مبنای سرمایه فیزیکی شکل می گیرد نتواند زمینه ساز اشتغال نیروی کار تحصیلکرده (سرمایه انسانی) را فراهم آورد می تواند علاوه بر آثار مخرب اقتصادی همچون بیکاری قشر تحصیلکرده و مهاجرت آنها به سایر کشورها، آثار مخرب اجتماعی نیز به بار آورد. این پژوهش سعی بر آن دارد که تأثیر مخارج آموزش بر روی سرمایه انسانی، رشد اقتصادی و فقر را با استفاده از مدل تعادل عمومی شبیه سازی سازد.

## ۱-۱- شرح و بیان مسئله پژوهشی:

رشد اقتصادی همواره یکی از اهداف برنامه ریزان اقتصادی بوده است. در کنار آن عوامل بوجود آورنده رشد اقتصادی نیز همواره مورد بحث نظریه پردازان علوم اقتصادی بوده است. از همین رو نظریات رشد مختلفی مطرح گردیده است. در چند دهه اخیر نظریات رشد اقتصادی بیشتر به سرمایه انسانی به عنوان یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی توجه داشته اند. تئوری های زیادی در مورد رشد اقتصادی و روشهای دست یابی به آن وجود دارد. آموزش یکی از محوری ترین زمینه های رشد اقتصادی می باشد. آموزش با بالاتر بردن سطح مهارتهای انسانی و بهره وری و افزایش سرمایه انسانی زمینه ساز رشد اقتصادی در جامعه می گردد. علاوه بر آن این مسأله که آیا رشد اقتصادی باعث کاهش فاصله طبقاتی و کاهش فقر می گردد یا خیر یکی از سؤالات اساسی متفکران اقتصادی بوده است. در حقیقت رشد اقتصادی زمانی می تواند کارایی لازم را دارا باشد که علاوه بر کاهش فقر به کاهش نابرابری ها در جامعه نیز کمک نماید. بسیاری از دانشمندان علم اقتصاد این عقیده را دارند که آموزش می تواند باعث کاهش فقر و توزیع مطلوبتر درآمد در جامعه گردد.

در کشور ما نیز راهکارهای مختلفی برای رشد اقتصادی توسط دولتهای مختلف اجرا گردیده است. که هر یک از این راهکارها اثرات مختلفی در جامعه داشته است. هر چند از آنجا که بیشتر درآمدهای دولت از طریق نفت تامین می گردد اجرای این سیاستها وابستگی شدیدی به درآمد نفت داشته است. توسعه آموزش نیز



یکی از روشهایی بوده است که در چند سال اخیر مورد توجه زیادی قرار گرفته است. این امر خود تبعات اقتصادی و اجتماعی فراوانی را به دنبال دارد. آیا لزوماً توسعه آموزش به رشد اقتصادی می انجامد؟ آیا آموزش باعث کاهش فقر و کاهش نابرابری های اقتصادی و اجتماعی می گردد؟ این تحقیق پی یافتن پاسخ به سئوالاتی از این دست می باشد.

هر تصمیم اقتصادی دارای آثار توزیعی و تخصیصی متفاوتی در گروههای مختلف درآمدی است. اندازه گیری تأثیرات سیاست های اقتصادی بر روی توزیع درآمد، فقر و همچنین تعیین تأثیرات سیاست های رشد اقتصادی، یکی از کارهای عمده اقتصاددانان در دهه های اخیر بوده است. استفاده از مدل های CGE و کاربرد آن برای تجزیه و تحلیل فقر و توزیع درآمد، دارای سابقه ای طولانی است. هر چند با گسترش علم کامپیوتر و تسهیل در برآورد مدل های CGE، کاربرد این مدلها بیش از پیش افزایش یافته است. یکی از راههایی که تصمیم گیرندگان اقتصادی برای از بین بردن فقر و کم کردن شکاف درآمدی مدنظر دارند افزایش مخارج آموزش می باشد.

سوالی که مطرح است آنست که آیا مخارج دولت در جهت آموزش توانسته به اهداف اقتصادی و اجتماعی خود که کاهش فقر و توسعه اقتصادی است دست یابد. این پژوهش سعی دارد تا با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه به این سؤال پاسخ دهد.

## ۲-۱- اهداف

- پژوهش حاضر در پی دستیابی به اهداف زیر است:
- ۱- شناسایی تأثیر مخارج آموزش بر رشد اقتصادی.
  - ۲- شناسایی تأثیر مخارج آموزش بر کاهش فقر.
  - ۳- شناسایی اثر مخارج آموزش بر توزیع درآمد.

## ۳-۱- اهمیت و ارزش تحقیق

رشد اقتصادی همواره به عنوان یکی از اهداف سیاستگذاران اقتصادی بوده است. عوامل بوجود آورنده رشد اقتصادی نیز همواره محل بحث میان نظریه پردازان علوم انسانی به ویژه اقتصاد دانان بوده است. در نظریات رشد جدید تاکید بر سرمایه انسانی به عنوان یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی بوده است. از سوی دیگر

همواره این سؤال مطرح بوده است که آیا رشد اقتصادی جامعه را به سمت عدالت و کاهش فقر و نابرابری ها سوق می دهد یا خیر؟

از طرف دیگر فقر از لحاظ اقتصادی و اجتماعی بسیار قابل توجه است تا آنجا که سایر علوم نیز به بحث در مورد عوامل به وجود آورنده فقر پرداخته اند و هر کدام روشهایی را برای کاهش فقر در جامعه مطرح نموده اند

پژوهش حاضر با قرار دادن اطلاعاتی در مورد نحوه تاثیر آموزش بر سرمایه انسانی، رشد اقتصادی و فقر می تواند نقش بسیار مؤثری در نحوه سیاست گذاری در زمینه آموزش داشته باشد.

### ۱-۴- کاربرد نتایج تحقیق

با توجه به اهداف تحقیق مهمترین کاربرد نتایج پژوهش حاضر برای سیاستمداران اقتصادی، محققین موضوعات مربوط و علاقه مندان به مطالعه در زمینه یاد شده، به ویژه استادان و دانشجویان می باشد.

سیاستگذاران اقتصادی با بهره گیری از نتایج این پژوهش و با استفاده از سیاست هایی که به سرمایه گذاری بیشتر در آموزش بیانجامد، می توانند ضمن افزایش سرمایه انسانی، رشد اقتصادی را بالا تر برده و فقر را کاهش دهند و جامعه را به سوی ثبات و کارایی بیشتر سوق دهند و اقتصاد را به سوی رشدی پایدار رهنمون سازند.

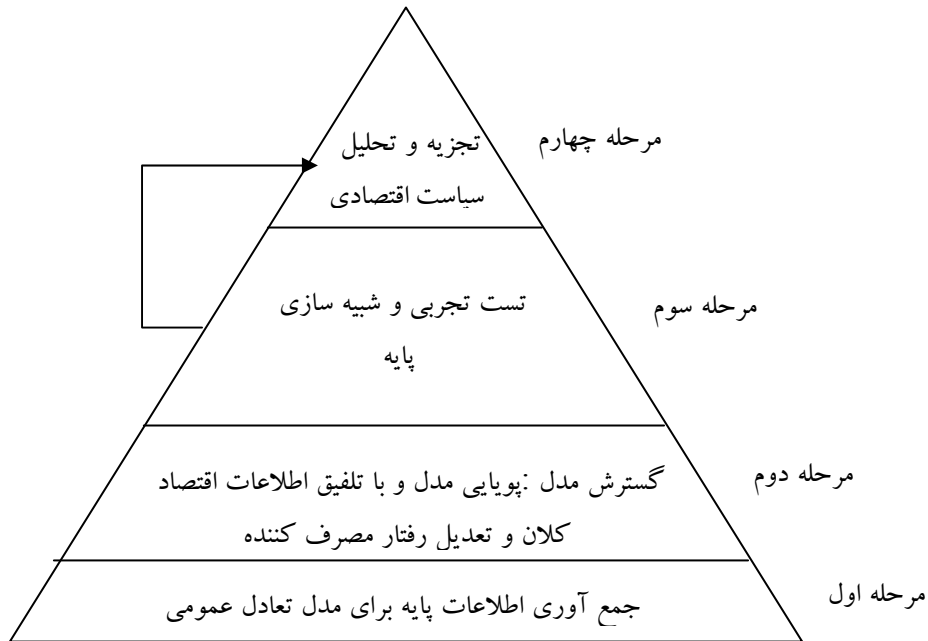
### ۱-۵- فرضیات و سوالات تحقیق

- ۱- رابطه میان مخارج آموزش و رشد اقتصادی مستقیم است.
- ۲- افزایش مخارج آموزش باعث کاهش فقر می گردد.
- ۳- افزایش مخارج آموزش باعث توزیع مطلوب تر درآمد می گردد.

### ۱-۶- روش تحقیق

روش تحقیق در این پایان نامه ترکیبی از روش های توصیفی و تحلیلی خواهد بود. جهت پاسخگویی به سوالات علاوه بر تنظیم یک الگوی اقتصاد کلان، با استفاده از تحلیل حساسیت الگو سوالات مطرح شده پاسخ

داده می شود. با توجه به الگوی کاربردی تعادل عمومی فرموله شده در پایان نامه و با استفاده از نرم افزارهای کامپیوتری ابتدا الگو را حل نموده سپس با تحلیل حساسیت الگو موضوعات مورد نظر تجزیه و تحلیل می شود. نمودار (۱-۱) مراحل شکل دهی به یک مدل تعادل عمومی قابل محاسبه و شبیه سازی اقتصادی و تجزیه و تحلیل سیاست های اقتصادی را نشان می دهد. همانگونه که نشان داده شده است مدل سازی اقتصادی بر اساس مدل های تعادل عمومی دارای چهار مرحله می باشد. در مرحله اول می بایست اطلاعات مورد نیاز جهت الگوی تعادل عمومی جمع آوری گردد. در مرحله بعد می بایست الگو بسط داده شده و اطلاعات اقتصاد کلان در الگو تلفیق شده، رفتار مصرف کننده نیز مشخص گردد. در مرحله سوم نیز تست تجربی و شبیه سازی پایه انجام می گیرد در مرحله چهارم و نهایی تجزیه و تحلیل سیاست های اقتصادی بر اساس سناریوهای تعریف شده در حالت های متفاوت انجام می گیرد.



نمودار (۱-۱): فرآیند فرم دهی به یک مدل تعادل عمومی و تجزیه و تحلیل سیاست اقتصادی

## ۱-۷- نحوه جمع آوری اطلاعات

جهت تخمین ضرایب و با توجه به اینکه سال ۱۳۸۰ به عنوان سال پایه الگو در نظر گرفته شده است، ابتدا می بایست ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) سال ۱۳۸۰ بر اساس الگوی محاسباتی تعدیل گردد. زیرا می بایست تأثیرات آموزش بر سطح درآمد و همچنین رشد اقتصادی در جدول ماتریس حسابداری اجتماعی ردیابی شده و به گونه ای تنظیم گردد که بتوان از آن برای تجزیه و تحلیل سیاست هایی در قالب مدل تعادل

عمومی قابل محاسبه، استفاده گردد. تنظیم ماتریس حسابداری اجتماعی بر اساس الگوی تعادل عمومی مورد نظر از جمله دیگر نکات قابل توجه در این پایان نامه می باشد. علاوه بر این از آنجا که تنها بخشی از نتایج از طریق مدل تعادل عمومی قابل محاسبه قابل دستیابی است برای بررسی تأثیر مخارج آموزش بر روی فقر و توزیع درآمد داده های خام از مدل تعادل عمومی استخراج گردیده و شاخص فقر و نابرابری درآمد جداگانه مورد محاسبه قرار خواهد گرفت.

## ۱-۸- کلید واژه ها:

۱- فقر (Poverty): معمولاً در تعاریف متداول فقر را به فقر مطلق و فقر نسبی تقسیم می کنند. فقر مطلق بر این اساس تعریف می شود که هر فرد حداقل نیازهای پایه برای معیشت را دارد که عدم تأمین آنها وی را دچار مشکل می کند. در نتیجه خط فقر مطلق میزان درآمدی است که شخص با کمتر از آن نمی تواند احتیاجات اصلی خود را تأمین کند. برای این منظور قیمت این کالاها محاسبه و با یکدیگر جمع می شود. احتیاجات پایه عبارتند از تغذیه، مسکن و بهداشت. در اولین تحقیقات فقر نیازهای پایه ای برای انسان در نظر گرفته شده بود که عدم تأمین آنها موجب می شد تا افراد نتوانند زنده بمانند. مهم ترین این پیمایش ها کار بوث (۱۸۸۹) و رونتری (۱۹۰۱) بود. آنها غذا، مسکن و پوشاک را نیازهای اساسی انسانی تشخیص داده بودند و در نتیجه عدم تأمین آنها را نشانه فقر می دانستند. (Khan, 2004) فقر نسبی به صورت ناتوانی در کسب متوسط سطح زندگی افراد یک جامعه تعریف شده است (Rowntree, 2001)

۲- سرمایه انسانی (Human Capital): سرمایه انسانی دارای دو مفهوم زیر است: در مفهوم محدود، سرمایه انسانی را بعنوان تغییر در کیفیت نیروی کار در ازای تغییر در سطح آموزش و تحصیل و تجربه تلقی می کنند و بر این اساس سرمایه انسانی بعنوان یک عامل تولید منظور شده و می تواند موجب بازده به مقیاس صعودی گردد. در مفهوم وسیع و گسترده، سرمایه انسانی بعنوان دانش و موجودی آن در اقتصاد تلقی شده و از طریق صرفه جوئیهای خارجی در تولید، موجب افزایش بهره وری عوامل تولید می شود.